

پژوهش نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دوفصل نامه علمی - ترویجی سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ۷۰-۵۵

تحولات جمعیتی شهر قم در دوره ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) با استناد به سرشماری محمدتقی ارباب

حسین احمدی رهبریان*

محسن روستایی**، حسن زندیه***، سیدحسن قریشی کرین****

چکیده

سرشماری از جمله مظاهر جنبش ترقی خواهی جهت اصلاح نظام مالیاتی عصر ناصری بود. پژوهش حاضر با استناد به کتابچه "مجموعه ناصری" و مقایسه آن با دیگر منابع روند افزایش و کاهش جمعیت شهری و روستایی و همچنین ساخت جغرافیای جمعیتی محلات مرکزی و رویکرد شغلی و مذهبی اهالی شهر را بر اساس سرشماری مورد توصیف و تحلیل قرار دهد. در این پژوهش نشان داده می شود پس از هجوم مغولان به قم و تخریب آن و در نتیجه کاهش جمعیت این شهر، در دوره حکومت صفویه و قاجاریه شهر به لحاظ عمرانی مورد توجه قرار گرفت و جمعیت آن افزایش یافت. در دوره حکومت ناصرالدین شاه به فاصله یک دهه، جمعیت شهری ۶۰ درصد افزایش پیدا کرد، اما قحطی سال ۱۲۸۸ ق. جمعیت شهر را ۳۰ درصد کاهش داد. این پژوهش تحولات جمعیت شهر قم در زمان ناصرالدین شاه، وضعیت و علل فراز و نشیب جمعیتی شهری و روستایی این شهر را تحلیل و تبیین می کند.

کلیدواژه‌ها: قم، جمعیت، سرشماری، محمدتقی ارباب، قحطی.

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)، hossein_rahbarian@yahoo.com
** دکترای زبان و ادبیات فارسی، عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی، roustaei2406@yahoo.com
*** استادیار گروه تاریخ، دانشگاه تهران zandiyehh@ut.ac.ir
**** استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیامنور، shquorishi@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۱۷

۱. مقدمه

مباحث مربوط به تاریخ جمعیت ایران، عمدتاً در منابع جغرافیای تاریخی وجود دارد اما تا پیش از آثار جهانگردان غربی در قرون نهم و دهم هجری، این مباحث در منابع جغرافیایی کم اهمیت و گاه اغراق آمیز بود. آمار جمعیتی شهر قم در منابع جهانگردان غربی در دوره صفویه و قاجار مورد توجه قرار گرفت اما از زمان ناصرالدین شاه به علت جدی شدن سیاست های تمرکز گرایانه حکومت و به تبع آن اهمیت یافتن مباحث مالیاتی، موضوع برآورد جمعیت کل کشور نیز مورد توجه رجال دولتی قرار گرفت. به این ترتیب در زمان حکومت ناصرالدین شاه، چندین کتابچه نفوس جمعیت درباره شهر قم نوشته شد و این آمارهای جمعیتی اطلاعات مهمی را در اختیار پژوهشگران قرار می دهد که تا به حال به صورت مستقل و دقیق به آن پرداخته نشده است. به طور کلی درباره مباحث جمعیت‌شناسی تاریخی دوره قاجار تنها اثر سیروس سعدونیان با عنوان «درآمدی بر جمعیت‌شناسی تاریخی ایران در عصر قاجار» است که این کتاب به پیشینه و فهرست سرشماری‌های انجام شده در عصر قاجار اشاره دارد و درباره موضوع جمعیت شهر قم، جان گرنی، به اختصار در مقاله ای ارزشمند با عنوان «تاریخننگاری قم در دوره ناصری» به بحث پرداخته است. تحقیق حاضر براساس سرشماری های اشخاص دولتی دوره قاجار صورت گرفته است. به این ترتیب کتابچه سیاقه ۱۲۸۵ ق محمد تقی ارباب و دو اثر دیگر منتشر شده ارباب در کتاب قم نامه و تاریخ دارالایمان قم و همچنین کتاب سفرنامه افضل الملک مورد استناد تحلیلی عمده ی این پژوهش است. در این میان، کتابچه خطی سیاق ۱۲۸۵ ق به لحاظ جمعیت‌شناسی منحصر به فرد است و برای تحلیل و بررسی آن لازم بود ابتدا به صورت صحیح خوانده شود و پس از آن تحلیل و توصیف دقیقی از چگونگی وضعیت جمعیتی شهر و روستاهای قم صورت گیرد. با توجه به داده های آماری این نسخه خطی و دیگر منابع ذکر شده، آمار جمعیتی قم با برآوردهای جمعیتی جهانگردان غرب تفاوت دارد. براساس سرشماری های دولتی، شهر قم در دوره قاجاریه به خصوص در دوره ناصری مورد توجه جدی قرار گرفت و در این دوره با وجود قحطی و خشکسالی، افزایش جمعیت نسبتاً روند پر شتابی داشت.

۲. تحولات جمعیتی قم از آغاز تا پیش از حکومت قاجار

شهر قم از زمان حکومت ساسانیان شکل گرفته بود (حسن قمی، ۱۳۸۸: ۳۴) و در قرون نخستین اسلامی این شهر به واسطه حفر قنات های فراوان، باغها و مزارع حاصلخیزی داشت (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۶؛ اشپولر، ۱۳۶۹: ج ۲، ۴۷۳) و به طور کلی طبق گزارشات سفرنامه نویسان، قم تا اوایل قرون اسلامی شهری آباد بود (قدامه، ۱۳۷۰: ۲۲۶؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۱۲). در واقع این شرایط اقلیمی همراه با شرایط مذهبی و سیاسی، شهر قم را پرجمعیت کرده بود به طوری که گفته می شود در این شهر تنها حدود ۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار محدث سکونت داشتند (فیض، ۱۳۴۹: ۱۱۱). هر چند این رقم اغراق آمیز به نظر می رسد اما شهر قم در قرن های چهارم و پنجم از مراکز تشیع و جزو شهرهای بزرگ محسوب می شد و هر یک از شهرهای بزرگ حداقل بیش از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت داشته است (ونا، ۱۳۷۱: ۲۲). در واقع آمار جمعیتی شهر قم در قرن چهارم هجری فقط به صورت کلی قابل تشخیص است. به این ترتیب که با توجه به جمعیتی دویست هزار نفری شهر اصفهان؛ ارزیابی تعداد جمعیت شهر قم به حداقل ۲۵ درصد از وسعت اصفهان محتمل تر است (Drechsler، ۱۹۹۹: ۳۴۵). در قرون پنجم و ششم همزمان با حکومت سلجوقیان، مطالب بسیار اندکی درباره شهر قم وجود دارد. در واقع در تمام دوران حکومت آلب ارسلان و ملکشاه سلجوقی هیچ اطلاعاتی از شهر قم در دست نیست و به نظر می رسد این دوری از کانون توجه و فقدان اطلاعات در این دوره زمانی، در کل تاثیر مثبتی داشته است، چرا که لافل از اعمال ویرانگرانه که متوجه قم باشند خبری نیست اما پس از مرگ ملکشاه سلجوقی، شهر قم، یک طرف درگیری بین شاهزادگان سلجوقی بود که می توانست به ساخت شهری آسیب رسانده باشد. به هر شکل در قرن هفتم با حمله و کشتار فراوانی که توسط مغولان صورت گرفت، قم شهری کم جمعیت شد (کمبریچ، ۱۳۶۶: ۵/۴۶۳). به همین علت در مناطق ویران شده کمتر از یک دهم مناطق کشاورزی برای امور کشاورزی مورد استفاده قرار گرفت که در نتیجه به تراکم جمعیت بسیار کم در قم منتج گردید (Drechsler، ۱۹۹۹، ۲۳۴). از نظر معماری شهری نیز ویرانی های سنگینی به شهر تحمیل شد، اما سکنه آن ناپستی به طور کامل از بین رفته بوده باشند (همان: ۳۱۲). به هر شکل تا قرن هشتم به گفته حمدالله مستوفی هنوز اکثر شهر قم خراب بود (مستوفی، ۱۳۳۶: ۷۴) اما در اواخر این قرن با وجود حمله تیمور به مرکز ایران، شهر قم مورد هجوم قرار نگرفت (مدرسی طباطبایی، ۱۳۵۰: ۲۲). در نتیجه جمعیت خودش را

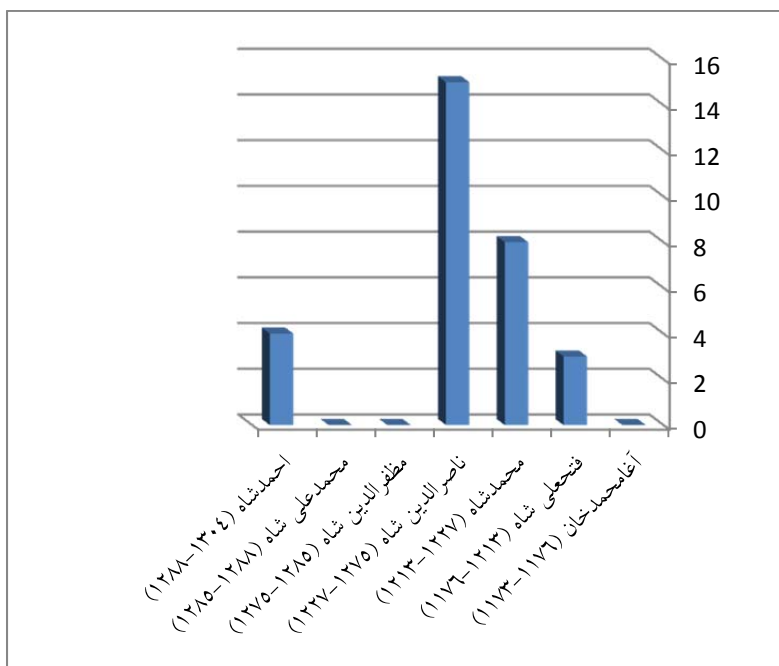
حفظ کرد و تا اواخر قرن نهم، بیست هزار خانه در شهر وجود داشت که نشان می داد قم به شهری بزرگ و پرجمعیت تبدیل شده بود (صاحبی، ۱۳۸۴: ۶).

در دوره حکومت صفویه، عمده جهانگردان غربی، قم را شهری بزرگ و یا حداقل متوسط دانسته اند و تعداد خانه های آن را ۱۵ تا ۲۰ هزار خانه و بیش از صد هزار نفر جمعیت تخمین زده اند. از نظر جهانگردان دوره صفوی شهر قم بازار پررونقی داشته و مرکز تجاری مهمی به شمار می رفت اما حمله افغانها و جنگ داخلی پس از مرگ نادر، موجب خرابی و مهاجرت وسیع مردم قم شد به طوری که به گفته اولیویه فرانسوی تعداد خانه های آن حدود پنجاه خانه و جمعیت شهر را حدود ۳۰۰ نفر دانسته است (انصاری قمی، ۱۳۹۲: ۳۸۶). البته این کاهش جمعیت مختص شهر قم نبود بلکه کل جمعیت ایران را در برمی گرفت. بنا بر ارزیابی جهانگردان غربی در دوره صفویه جمعیت ایران بین چهل میلیون نفر تا دو بیست میلیون نفر بود هرچند سرجان ملکم ده میلیون نفر را واقع بینانه تر می داند و وی جمعیت ایران در اوایل حکومت قاجار را شش میلیون نفر حدس زده است که به هر شکل نشان دهنده کاهش جمعیت بعد از حکومت صفویه است. (کمبریچ، لمبتون، ۱۳۸۹: ۴۴۵)

۳. تحولات جمعیت شهری قم در عصر ناصرالدین شاه

بعد از پایان جنگهای داخلی در دوره افشاریه و زندیه و برآمدن حکومت قاجاریه، ثبات نسبی در کشور ایجاد گردید و روند تند کاهش جمعیت متوقف شد و از این به بعد، شهر قم مورد توجه حاکمان قرار گرفت. یکی از علل توجه پادشاهان به قم به جهت جایگاه مذهبی و زیارتی این شهر بود. در این رابطه فتحعلیشاه حدود ۲۰۰ هزار تومان صرف تعمیر و مرمت ساختمان های عمومی و مذهبی کرد. پادشاهان قاجاری از میان شهرهای مذهبی اکثراً شهر قم را برای زیارت انتخاب می کردند زیرا مشهد و عتبات عالیات به لحاظ مسافت دور از پایتخت بودند و ممکن بود مسافت بدانجا نتایج ناگواری سیاسی همچون شورش های داخلی به وجود آورد. همچنین شهر قم ضمن نزدیکی به پایتخت، این امتیاز را داشت که مدفن اغلب امرا و شاهزادگان سلسله صفوی و قاجار نیز بود (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۱). یکی دیگر از علائم اهمیت سیاسی اقتصادی قم داشتن ضرابخانه بود (کمبریچ، لمبتون، ۱۳۸۹: ۵۶۱). عایدات دولت از شهر قم نیز در سال ۱۲۵۱ق. به صورت نقدی و جنسی ۲۲ هزار تومان بود که رقم قابل توجهی بود هر چند عایدات شهر قم در سال

۱۲۸۵ ق. در زمان ناصرالدین شاه برخلاف شهرهای دیگر روند نزولی پیدا کرد و به پانزده هزار تومان رسید (عیسوی ، ۱۳۸۸: ۵۷۱ و ۵۶۸). با وجود کاهش درآمدهای دولتی در دوره ناصرالدین شاه هزینه های عمرانی مانند تعمیر کاروانسرا، سد، پل و کشیدن چندین جاده بین قم و تهران انجام می شد که نشان دهنده توجه حکومت به این شهر بود (کرزن ، ۱۳۴۷: ۱۲۰؛ اعتماد السلطنه ، ۱۳۳۸: ۱۲۸۲). به طور مثال با بررسی ساخت آب انبارها در شهر قم می توان به توجه حکومت های قاجاریه از زمان فتحعلیشاه تا ناصرالدین شاه پی برد که مساله ساخت بناهای عام المنفعه در جهت رفاه عمومی به تبع در افزایش جمعیت شهری موثر بوده است.



نمودار ۱. ساخت آب انبارهای شهر قم در دوره های حکومتی قاجار

ماخذ: مجموعه ناصری، تاریخ دارالایمان قم، تحفه الفاطمین فی ذکر احوال قم و القمیین

بنابراین با توجه به اهمیت شهر قم در زمان ناصرالدین شاه و هزینه هایی که حکومت در این راستای انجام می داد، بحث درآمدهای مالیاتی برای حکومت ضروری بود. تا پیش از حکومت ناصرالدین شاه مشخص نیست که سرشماری نفوس توسط دولت ها به چه شکلی

انجام می شد ولی به طور کلی جمعیت هر شهری به خاطر مباحث مالیاتی مهم بوده و در واقع محاسبه مقدار اخذ مالیات به نوعی سرشماری محسوب می شد. به نظر می رسد اولین سرشماری و یا احصائیه به شیوه جدید در زمان صدارت میرزا آقا خان نوری در شهر تهران به سال ۱۲۶۹ ق. صورت گرفت و پس از آن با نظر مشورتی مصلحت خانه دولتی، دستورالعمل احصای نفوس نوشته شد ولی به غیر از سرشماری نفوس شهر خوی در سال ۱۲۷۷ ق. به اجرا در نیامد. (سعدوندیان، ۱۳۷۹: ۳۵ - ۴۵).

با روی کار آمدن میرزا حسین خان سپهسالار به عنوان صدراعظم ناصرالدین شاه، بار دیگر بحث سرشماری پیگیری و اجرا شد. این سرشماری سراسری در «مجموعه ناصری» کاخ گلستان آمده است که جلد اول آن مربوط به سرشماری شهر قم است. در واقع درباره جمعیت شهر قم در دوره ناصری دو منبع رسمی و غیر رسمی وجود دارد. منابع غیر رسمی همان سفرنامه های جهانگردان خارجی است و منابع رسمی شامل کتابچه های نفوس نوشته شده توسط مستوفیان دوره ناصری است. از نگاه جهانگردان خارجی شهر قم در دهه اول حکومت قاجاریه حدود ۱۷۰۰ تا ۲۰۰۰ خانوار داشته است و جمعیت قم را حدود ۱۲ هزار نفر تخمین زده اند (تاریخ کمبریج، ۱۳۸۹: ۵۵۹) و همچنین به گفته جهانگرد دیگری به نام بروگش در سال ۱۲۷۶ ق. جمعیت قم را حدود ۱۰ هزار نفر ذکر می کند و با سفر دومش به قم در سال ۱۳۰۴ ق. جمعیت این شهر را همچنان بین ۱۰ تا ۱۲ هزار نفر می داند و جهانگرد دیگری به نام هانری رنه ماد آلمانی جمعیت قم در سال ۱۲۸۹ ق. را چهار هزار نفر و در سال ۱۳۰۲ قمری هفت هزار نفر می داند (صاحبی، ۱۳۸۴: ۲۲۷). این آمار ارائه شده از سوی جهانگردان خارجی با آمار کتابچه های دولتی نفوس جمعیت مطابقت ندارد و با بررسی آمار جمعیتی مستوفیان دولتی می توان به آمار دقیق جمعیت شهر پی برد.

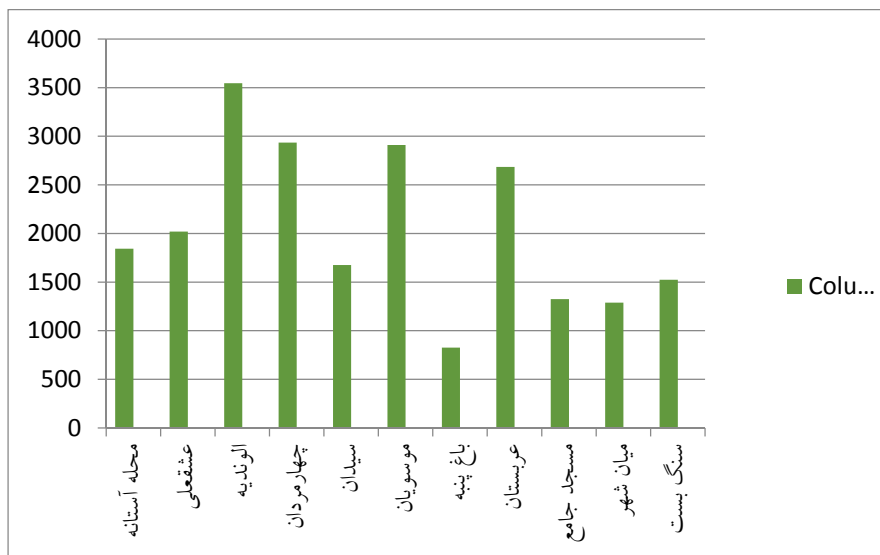
کتابچه «اعداد نفوس اهالی دارالایمان قم» به سال ۱۲۸۵ ق. نخستین سرشماری موجود در مجموعه ناصری، مهمترین گزارش مربوط به قم است زیرا جزئیات سرشماری خانه به خانه شهر را در بردارد (جان گرنی ۱۳۸۰: ج ۲، ۸۸). نویسنده این رساله را به طور قطع نمی توان شناسایی کرد ولی به احتمال فراوان، محمد تقی ارباب است که نامش در خود کتابچه چندین بار به عنوان میراب قنات ناصری و مالک باغ و مزارع آمده است. ارباب عضو یک خانواده اعیانی قمی بود و همه عمر خویش را صرف تهیه آمار، برآورد مالیات، تقسیم محصولات، نظارت بر تقسیم آب و مرمت قنات های قم کرد. او اطلاعات منحصر

به فردی درباره اوضاع کشاورزی و آبیاری در قم داشت و هنگامی که حکومت مرکزی یا کارگزاران محلی به اطلاعات دقیق نیاز داشتند که مبتنی بر آمار و بررسی های تازه باشد، به محمد تقی بیگ ارباب متوسل می شدند. (همان : ۶۹) این کتابچه سیاقی در ابتدا محله به محله خانه های مسکونی شهر را با ذکر تعداد مرد و زن و دختر و پسر و سپس خانه های طوایف و بلوکات قم را سرشماری کرده است. طبق این سرشماری ۳۷۱۶ باب خانه در شهر، ۷۴۴ باب خانه طوایف و ۲۲۲ باب خانه در بلوک قمرود^۱ که کل آن برابر با ۴۴۸۲ باب خانه می شود و در کل جمعیت قم اعم از شهر و روستا طبق این سرشماری ۴۴۱۸۸ نفر است. در کتابچه تنها به اسامی صاحبان خانه ها اشاره شده که در واقع ۱۰ درصد کل جمعیت شهری و روستایی قم را شامل می شود که عمدتاً شهری محسوب می شوند. با بررسی این جامعه آماری ده درصدی که ۴۴۸۲ نفر می شود ۳۸۱ نفر از نام اهالی شهری با پیشوند «استاد»؛ ۳۹۷ نفر با پیشوند «حاجی»؛ ۳۱۳ نفر با پیشوند «ملا»؛ ۳۲۱ نفر با پیشوند «سید»؛ ۲۰۴ نفر با پیشوند «کربلایی»، ۹۰ نفر با پیشوند مشهدی ۱۱۹ نفر با پیشوند «رئیس»؛ ۷۸ نفر با پسوند «بزرگر» یا «باغبان» و ۵۱ نفر با پیشوند «شیخ» شناخته می شدند. از این میان ظاهراً کسانی که لقب شیخ و ملا داشتند، جمعیت با سواد شهر محسوب می شدند که حدود هفت درصد صاحبخانه ها را تشکیل می داد و کسانی که حاجی و یا کربلایی بودند از وضعیت نسبتاً خوب اقتصادی آن خانواده حکایت می کرد که ۱۲ درصد جمعیت صاحب خانه ها را شامل می شد. کسانی هم که لقب «رئیس» داشتند نیز جزو جمعیت ثروتمند محسوب می شدند چرا که لقب رئیس متعلق به ملاکین و اربابان و مباشرین بود. لقب «استاد» نیز بیانگر جمعیت پیشه وری شهر بود. در شهر قم به کسانی که به پیشه های مسگری، خبازی، بنایی، علافی، سلمانی، پالان دوزی، خیاطی، حمامی، کلاه دوزی، نمدمالی، حدادی، آجر پزی، سنگکاری، پینه گری، کفاشی، کاسه گری و مقنی گری مشغول بودند، استاد گفته می شد. شهر قم حتی در بعضی از این پیشه ها مانند ظروف سازی از دوره صفویه مشهور بود (صاحبی، ۱۲۸۴: ۲۱) و در زمان قاجاریه کارخانه بلورسازی در قم وجود داشت (روزنامه علیه ایران، ۱۳۷۲: ج ۲، ۱۳۹۸). به گفته پولاک، پزشک دربار ناصرالدین شاه «لوازم بلوری ساخت قم و شیراز از همه جا بهتر است و کوزه قمی به خصوص از نظر شکل های دلپذیر و سلیقه خوش از همه ممتاز است». پولاک همچنین صابون قم را ارزان و خوب دانسته است (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۸۸) و امروزه نیز در اطراف مسجد جامع شهر کوچه ای قدیمی به نام کوچه «صابونیها» وجود

دارد. در شهر قم ۷۰ نفر از صاحب‌خانه‌ها مشهور به «بنا» و یا «معمار» بودند. به نظر می‌رسد با توجه به بقاع متبرکه فراوان در قم، نیاز به بنایان ماهری در شهر وجود داشته تا تعمیر و بازسازی آنها به خوبی صورت گیرد. فنون معماری قم امتیازاتی داشت چنانکه اکثر آثار تاریخی ایران، کار معماران و بنایان قمی بود (فیض، ۱۳۴۹: ج ۱، ۱۰۶) میناکاری یکی از هنرهایی بود که توسط بنایان قمی در بقاع متبرکه فراوان به کار می‌رفت. (روششوا، ۱۳۷۸: ۱۹۸-۱۹۹).

با بررسی آماری صاحب‌خانه‌ها می‌توان به اسامی پرکاربرد در این شهر نیز پی برد. در شهر قم به دلیل فضای کاملاً مذهبی، عمدتاً از اسامی اسلامی برای نامگذاری فرزندان استفاده می‌شد و اسم‌های ایرانی به ندرت به کار می‌رفت. «علی»، «محمد» و «حسین» از نام‌های پر طرفدار و رایج در شهر قم بود که با پسوند و پیشوندهایش به ترتیب ۸۲۸، ۶۲۳ و ۴۳۰ بار در این جامعه آماری صاحب‌خانه‌ها تکرار شده است. پس از آن به ترتیب نام‌های «حسن»، «رضا»، «مهدی»، «عباس»، «اسماعیل»، «ابراهیم» و «جعفر» از نام‌های متداول بود و در میان نام جعفر از قرون نخستین اسلامی در قم بسیار فراوان به کار می‌رفت. (اشپولر، ۱۳۶۹: ۴۰۳) نام‌های ایرانی مانند «بهرام»، «سهراب»، «اسفندیار»، «فرهاد»، «طهماسب» به ندرت به کار می‌رفت و آنها نیز عمدتاً در بین طوایف خارج از شهر که ریشه کردی داشتند، استفاده می‌شد.

طبق تقسیم‌بندی این کتابچه محلات قم به یازده محله تقسیم می‌شد. در واقع با روند مسیر سرشماری توسط نویسنده، می‌توان به ترتیب جغرافیایی محلات نیز پی برد. اولین محله‌ای که مورد سرشماری قرار گرفته، محله آستانه است و پس از آن محله‌های «عشقعلی»، «الوندیه»، «چهار مردان»، «سیدان»، «موسویان و دولتخانه»، «باغ پنبه»، «محله عربستان»، «میدان مسجد جامع»، «میان شهر» و «سنگبند» مورد سرشماری قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد سرشماری محله‌های قم در سه مرحله انجام شده است. مرحله اول از محله آستانه که حرم حضرت معصومه (س) در آن قرار دارد، آغاز و تا محله دولتخانه به اتمام می‌رسد و در مرحله دوم دوباره از سر محله باغ پنبه آغاز تا محله میان شهر که در واقع به نوعی در وسط شهر آن زمان قرار داشته که همان محله «درخت پیر» است خاتمه می‌یابد. در مرحله آخر محله سنگ بند که بعد از محله چهار مردان است و آخر شهر محسوب می‌شده سرشماری شده است. طبق اعلام این سرشماری به ترتیب محله الوندیه و چهارمردان پرجمعیت‌ترین و محله باغ پنبه کم‌جمعیت‌ترین بوده است.



نمودار ۲. جمعیت تفکیک شده محله های شهر قم

ماخذ: مجموعه ناصری ارباب

پرجمعیت ترین خانوار در قم متعلق به «آقا سید حسین» نامی بوده که در خانه اش ۳۴ نفر سکونت داشته است. همچنین در قم خانوار های ۳۱ نفره، ۳۰ نفره، ۲۷ نفر و ۲۲ نفره وجود داشت و متوسط تعداد هر خانوار در شهر قم شش نفر بود. خانواده محمد تقی ارباب، نویسنده احتمالی این سرشماری نیز ۷ نفره بود (ارباب، ۱۲۹۵، ۱۸) و جناب میرزا حسین، متولی باشی حرم حضرت معصومه (س) که گفته میشود خانه وی همان مدرسه آیت الله گلپایگانی است، ۱۵ نفره بود و خدام حرم عمدتاً در محله آستانه (همان، ۱-۳) و علمای بزرگ قم نیز در محله مسجد میدان جامع سکونت داشتند (همان: ۳۴).

برای بررسی تحولات و تغییرات جمعیتی شهر و روستایی قم در دوره ناصری، باید گزارش دولتی سال ۱۲۸۵ ق. را با منابع دولتی سالهای بعدی مقایسه کرد. نخستین و مهمترین کتابچه مدون و دقیق سرشماری مربوط به سال ۱۲۸۵ ق. در مجموعه ناصری است. جلد اول این مجموعه متعلق به شهر قم به دستور سید مهدی، حکمران شهر قم و توسط محمد تقی ارباب میراب قنات ناصری نوشته شده است. دومین کتابچه سرشماری در سال ۱۲۹۵ ق. نیز توسط ارباب نوشته شد که به عنوان کتاب «تاریخ دارالایمان قم» به کوشش مدرسی طباطبایی چاپ شده است. یکسال بعد نیز به سال ۱۲۹۶ ق. محمدتقی

ارباب اثری دیگر نوشت که در دو بخش «طویف و ایلات» و «حالات و املاک و مسغلات و قنوات و بلوکات» در مجموعه ناصری آمده است.^۲ چهارمین کتاب با عنوان کتابچه «تفصیل و حالات دارالایمان قم» نوشته افضل الملک به سال ۱۳۰۴ - ۱۳۰۵ نوشته شده است. افضل الملک به غیر از این، کتابی موسوم به «سفرنامه قم» دارد که در این سفرنامه مباحث جمعیتی شهر قم را مربوط به سال ۱۳۰۹ ق. را آورده است. براساس کتابچه نفوس محمد تقی ارباب در سال ۱۲۸۵ ق. جمعیت شهر قم و توابع آن ۴۴۱۸۸ نفر است. به این ترتیب که جمعیت مرکزی شهر قم ۲۲۵۷۸ نفر که ۱۱۰۸۶ نفر آن مردان و ۱۱۴۹۲ نفر زنان را در بر می‌گیرد و خانه‌ها و بیوتات در شهر قم نیز ۳۷۱۶ خانه برآورد شده است (ارباب، ۱۲۸۵: ۱). اما محمد تقی ارباب درباره سرشماری سال ۱۲۸۵ در کتاب دارالایمان^۳ می‌گوید تعداد نفوس در سال ۱۲۸۵ به قدر ۲۵۳۸۲ نفر بوده است (ارباب، ۱۲۹۵: ۲۹ و ۳۰) که حدود سه هزار نفر بیشتر از تعداد نفوس در کتابچه سال ۱۲۸۵ است که همین مطلب این احتمال را تقویت می‌کند که شاید کتابچه سال ۱۲۸۵ اثر ارباب نباشد و یا آنکه با این مطلب خواسته آن را تصحیح کند. اما روایت افضل الملک درباره جمعیت قم قبل از قحطی سال ۱۲۸۸ ق. حدود ۲۴ هزار نفر بوده و ایلات و دهات آن را حدود ۲۰ هزار نفر می‌داند (افضل الملک، ۱۳۸۴: ۹۷). به هر شکل این آمارها نشان می‌دهد که تا قبل از قحطی سال ۱۲۸۸ جمعیت شهر قم به نسبت سال ۱۲۷۶ ق. تقریباً با افزایش ۶۰ درصدی روبرو بوده است اما در سال ۱۲۸۸ قحطی و خشکسالی وحشتناکی منجر به مرگ و میر در اکثر شهرهای ایران از جمله شهر قم شد.^۴ محمد تقی ارباب نیز درباره قحطی و وضعیت نفوس شهر قم می‌نویسد:

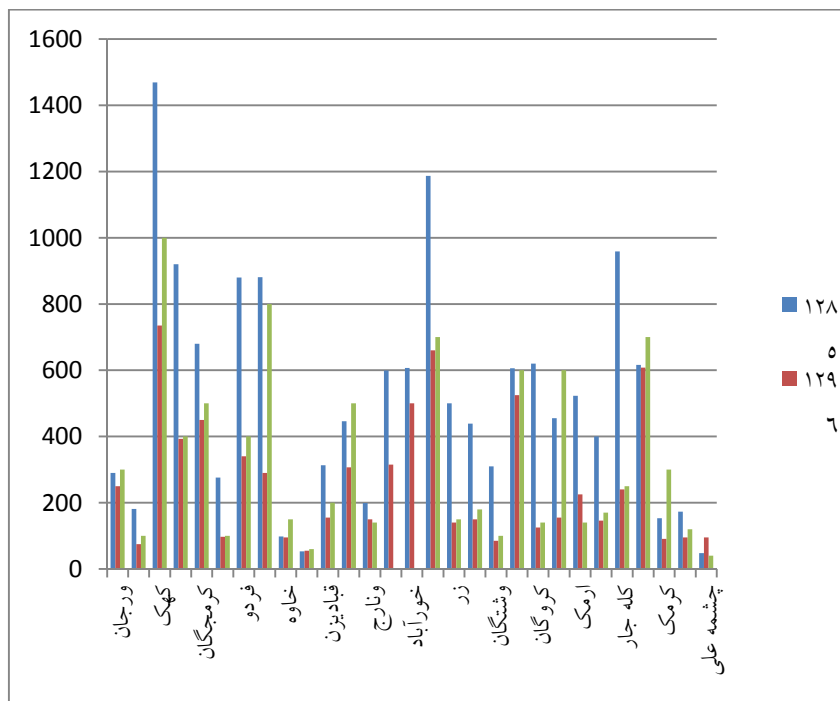
قحطی و گرانی اتفاق افتاد در دو ساله بلکه سه ساله هشتاد و هفت تا یک هزار و دویست، هشتاد و نه که اغلب و اکثر مردم از جوع جان دادند و نان نیافتند دوباره حکم به تعداد نفوس شد در سه ساله یک هزار و دویست و نود و یک عدد نفوس اهل شهر چهارده هزار نفر بود و اهل بلوکات ۱۱ هزار نفر. از آن جمله عدد بیوتات قم چهار هزار خانه می‌شد بعد از گرانی به قدر هزار خانه بی صاحب مانده بود که تمام اهل آن مرده بودند. (ارباب، ۱۲۹۵: ۲۹، ۳۰)

با توجه به این مطالب اگر جمعیت شهر قم پیش از قحطی تقریباً ۲۵ هزار نفر باشد؛ پس از قحطی در سال ۱۲۹۱ ق. حدود ۳۰ درصد کاهش پیدا کرده است. با این حال پس از دوران قحطی، جمعیت شهر روند افزایشی پیدا می‌کند و یکی از علل آن اقدامات

ناصرالدین شاه جهت جلوگیری از سرایت بیماری مرگبار وبا و اعزام میرزا ابوالحسن طیب جهت ایجاد وضع قرائتین در قم در سال ۱۲۹۱ق. بود. (روزنامه علیه ایران : ۱۱۴۰/۲) در واقع همواره یکی از علل کاهش جمعیت در زمانهای پیشین، بروز قحطی و شیوع بیماری‌های واگیردار بود (کمبریچ، همان : ۴۴۵). یکی دیگر از علل افزایش جمعیت شهری، روند مهاجرت جمعیت ایلی کوچ نشین جهت یکجانشینی در شهر قم بود. (نمودار شماره ۳) بنابراین جمعیت شهری رو به افزایش نهاد به طوریکه در سال ۱۳۰۵ق. جمعیت قم ۱۹۷۵۰ نفر برآورد گردید. هر چند در مقایسه با سال ۱۲۸۵ق. هنوز جمعیت و مستغلات شهری مانند طواحین و یخچال‌ها و کاروانسراها به اندازه سال ۱۲۸۵ نرسیده بود (اریاب، ۱۲۹۵ : ۹۱، ۹۲) اما روند افزایش جمعیت ادامه داشت و تا سال ۱۳۰۹ به ۳۵ هزار نفر افزایش یافت (افضل الملک، ۱۳۸۴ : ۹۷).

۴. تحولات جمعیت دهقانی و ایلاتی قم در حکومت ناصرالدین شاه

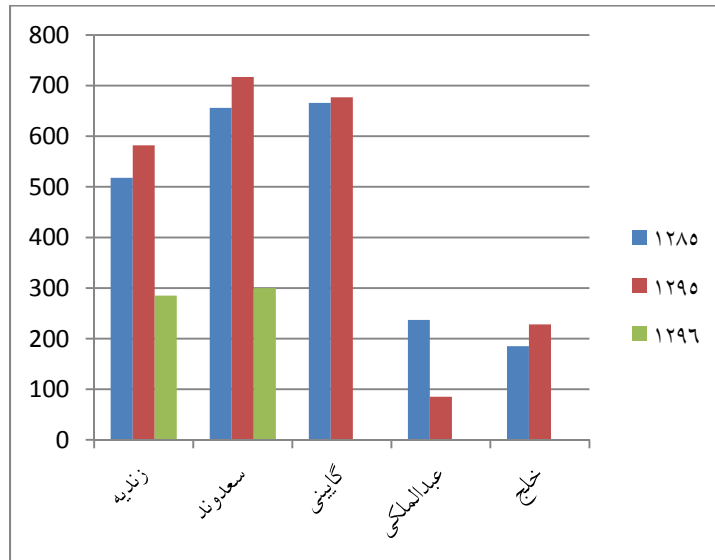
فراز و نشیب جمعیت روستایی قم در دوره قاجاریه نیز مانند جمعیت شهری بود. البته لازم به ذکر است که جمعیت روستایی شهر قم در دوره قاجار به نسبت قرنهای چهارم و پنجم بسیار کاهش پیدا کرده بود زیرا در قرن چهارم ۳۶۵ روستا در قم وجود داشته است که به تدریج تا زمان حکومت ناصرالدین شاه به سی روستا کاهش پیدا کرده است که کاهش ۹۰ درصدی را نشان می‌دهد. (صفی‌الدین قمی، بی تا : ۲۰۴). به هر شکل با مقایسه سرشماری سی روستای قم در سال‌های قمری ۱۲۸۵ ق.^۵، ۱۲۹۶ ق.^۶ و ۱۳۰۹ ق.^۷ طبق نمودار شماره ۴ نشان داده می‌شود که عمده‌ی روستاهای قم در سال ۱۲۹۶ق. در مقایسه با سال ۱۲۸۵ق. با کاهش جمعیت روبرو بوده و تا سال ۱۳۰۹ق. با وجود افزایش جمعیت هنوز به اندازه جمعیت سال ۱۲۸۵ نرسید اما جمعیت طوایف ایلاتی که خارج از شهر زندگی می‌کردند؛ به گونه‌ای دیگر بود که به آن اشاره می‌کنیم.



نمودار ۳. جمعیت روستایی قم

ماخذ: مجموعه ناصری، قم نامه، سفرنامه افضل الملک.

با مقایسه جمعیت طایفه بزرگ زندیه و سعدوند در سال‌های ۱۲۸۵ق، ۱۲۹۵ق.^۱ و ۱۲۹۶ق. با توجه به نمودار شماره ۴ مشخص می‌شود که جمعیت آنها در سال ۱۲۹۵ در مقایسه با سال ۱۲۸۵ افزایش تقریباً ده درصدی داشته اما یک سال بعد از آن یعنی در سال ۱۲۹۶ به نسبت سال ۱۲۹۵ ناگهان کاهش تقریباً ۵۰ درصدی داشته است که این کاهش جمعیت حکایت از روند تند شهرنشینی یا کوچ آنها به مناطق دیگر دارد. البته جمعیت طوایف گایینی و عبدالملکی و خلیج در سال ۱۲۹۶ ق. جزو شهر شدند به همین دلیل در نمودار پایین مشخص نیستند. این روند شهرنشینی ایلات قم به طور کلی با نظریه جان فوران درباره صورت بندی اجتماعی ایران مبنی بر کاهش جمعیت ایلاتی در قرن ۱۹ مطابقت دارد. (فوران: ۱۳۹۲، ۲۱۴)



نمودار ۴. مقایسه میزان جمعیت ایلی قم
 ماخذ: مجموعه ناصری، تاریخ دارالایمان قم، قم نامه

۵. نتیجه گیری

یکی از علل افزایش رفاه مادی در گرو کاهش جنگهای داخلی بود که به تبع با افزایش رفاه مادی افزایش جمعیت را در پی داشت. به این ترتیب شهر قم هر چقدر که کمتر دستخوش جنگ و درگیری بود موجب رفاه مادی و افزایش جمعیت می شد. شهر قم تا پیش از حمله مغول شهری آباد و پرجمعیت بود اما حمله مغول این شهر را کوچک و کم جمعیت کرد و پس از گذشت دو قرن این شهر توانست بار دیگر رونق بگیرد. در دوره صفویه شهر قم جزو شهرهای متوسط ایران بود ولی با جنگهای داخلی مکرر پس از سقوط صفویه به شهر قم کسانده شد و این شهر را تقریباً خالی از سکنه شد. در دوره حکومت قاجاریه بار دیگر قم به لحاظ زیارتی و عمرانی مورد توجه حاکمان قرار گرفت و همین امر باعث روند افزایش جمعیت شهری شد به طوریکه در دوره حکومت ناصرالدین شاه به فاصله یک دهه جمعیت شهری ۶۰ درصد افزایش پیدا کرد اما قحطی مرگبار سال ۱۲۸۸ ق. جمعیت شهر را ۳۰ درصد کاهش داد و حتی تا دو دهه بعد از آن جمعیت شهری به اندازه پیش از قحطی نرسید هر چند در بین سالهای ۱۳۰۵ق. تا ۱۳۰۹ق. جمعیت قم تقریباً ۴۵ درصد

افزایش پیدا کرد. روند جمعیت روستایی نیز مانند جمعیت شهری بود با این تفاوت که تا سال ۱۳۰۹ق. افزایش جمعیت به نسبت جمعیت شهری با سرعت نبود و این نکته که جمعیت کوچ نشین ایلات که خارج از شهر زندگی می کرد، به زندگی شهرنشینی روی آوردند. با توجه به سرشماری ارباب در سال ۱۲۸۵ و شناسایی جامعه ده درصدی جمعیت شهر می توان نتیجه گرفت اهالی شهر قم به نامهای شیعی تمایل شدیدی داشتند و استفاده از نامهای باستانی - ایرانی تنها در میان ایلات کردی رواج داشت. همچنین با توجه به پسوندهای ساکنین، نشان داده می شود که مردم شهر قم عمدتاً به مشاغل صنایع دستی و کشاورزی رغبت بیشتری داشتند.

پی‌نوشت‌ها

۱. براساس کتابچه فقط در بلوک قمرود نام تک تک صاحب خانه ها آورده شده و بقیه ها بلوک‌ها مانند قهستان، وازکرو، اردهال، و جاسب را به صورت کلی تنها تعداد جمعیت شمارش شده است.
۲. این اثر توسط مدرسی طباطبایی در کتاب «قم نامه» بازخوانی شده است.
۳. نوشته شده در سال ۱۲۹۵ق.
۴. برای اطلاع بیشتر ر.ک: گرنی، جان، صفت گل، منصور (۱۳۷۸) قم در قحطی بزرگ ۱۲۸۸ قمری، قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
۵. مجموعه ناصری ص ۱ تا ۷۵. - قم نامه ص ۱۷۲ تا ۲۴۶.
۶. قم نامه ص ۸۵.
۷. ر.ک: به سفرنامه افضل الملک، تصحیح زهرا اردستانی، قم: زائر.
۸. ر.ک: به کتاب تاریخ دارالایمان قم.

کتاب‌نامه

- ابن حوقل (۱۳۶۶). سفرنامه ابن حوقل، ترجمه: جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ابواسحق ابراهیم اصطخری (۱۳۴۰). مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ارباب، محمد تقی (۱۲۸۵ ق.). نسخه خطی مجموعه ناصری، موجود در کاخ گلستان، جلد اول.
- ارباب، محمد تقی (۱۲۹۵ ق.). تاریخ دارالایمان قم، تصحیح مدرسی طباطبایی، قم: بی جا،

- اشپولر، برتولد (۱۳۶۹). تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه مریم میر احمدی، جلد دوم. اعتماد السلطنه، محمد حسن (۱۳۶۸). مرات البلدان، به کوشش عبدالحسن نوایی، میرهاشم محدث، ج ۲ و ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- افضل الملک، غلامحسین (۱۳۸۴). سفرنامه افضل الملک، تصحیح زهرا اردستانی، قم: زائر.
- انصاری قمی، محمدرضا (۱۳۹۲). قم در منابع و مراجع فارسی، جهاد دانشگاهی، بنیاد قم پژوهی.
- آوری، پیتر (۱۳۷۳). تاریخ معاصر ایران، ج ۱، ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی، تهران: عطایی.
- پولاک ادوارد (۱۳۶۱). سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: شرکت سهامی خوارزمی.
- پیتر آوری، همیلی، چارلز ملویل (۱۳۸۹). تاریخ کمبریج (دوره افشاریه، زندیه، قاجار) ترجمه تیمور قادری، تهران: جامی.
- جی. آ. بویل (۱۳۶۶). تاریخ ایران کمبریج، ج ۱، ترجمه حسن انوشه تهران: امیرکبیر.
- حسن بن محمد بن حسن قمی (۱۳۸۸). تاریخ قم، ترجمه حسن بن محمد بن حسن، قم: زائر.
- حسن قمی، حسین بن محمد (مفلس) (۱۳۹۱). تحفه الفاطمیین فی ذکر احوال قم و القمیین. ج ۲، قم: نور مطاف.
- روششوار، کنت (۱۳۷۸). خاطرات سفر ایران، ترجمه مهران توکلی، تهران: نشر نی.
- سعدوندیان، سیروس (۱۳۷۹). در آمدی بر جمعیت شناسی تاریخی ایران در عصر قاجار، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صاحبی، محمد جواد (۱۳۸۴). قم از نگاه بیگانگان، قم: زائر.
- صفی الدین محمد بن محمد هاشم حسینی قمی (بی تا). خلاصه البلدان، قم: چاپ حکمت.
- عیسوی، چارلز (۱۳۸۸). تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند. تهران: گسترده.
- فوران، جان (۱۳۹۲). مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، رسا.
- فیض، عباس (۱۳۴۹). گنجینه آثار قم، ج ۱، قم: چاپخانه مهر استوار.
- قدامه بن جعفر، الخراج (۱۳۷۰). ترجمه حسین قره چانلو، تهران: البرز.
- کرزن، لرد (۱۳۴۷). ایران و مسئله ایران، ترجمه علی جواهر کلام، انتشارات ابن سینا.
- گرنی، جان (۱۳۸۰). گنجینه شهاب، ج ۲، قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
- گرنی، جان؛ صفت گل، منصور (۱۳۷۸). قم در قحطی بزرگ ۱۲۸۸ قمری، قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
- مجله روزنامه علیه ایران (۱۳۷۲). ج ۲، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۵۰). قم در قرن نهم هجری، چاپخانه حکمت قم.
- مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۶۴). قم نامه، قم، انتشارات مرعشی نجفی.

۷۰ پژوهش‌نامه تاریخ/اجتماعی و اقتصادی، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷

مستوفی، حمدالله (۱۳۶۶). نزهه القلوب، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: مهر آیین.
ملکم، سرجان (۱۳۷۹). تاریخ کامل ایران، ترجمه اسماعیل حیرت، تهران، افسوس.
ونا، ولادیمیر (۱۳۷۱). تاریخ اسماعیلیان در ایران در سده های ۵-۷، ترجمه پروین منزوی، تهران، نشر اشاره.

Drechsler ,Andreas ، Die Geschichte dar stadt Gom ،۱۹۹۹ ,Berlin .